

ارسال: ۱۴۰۴/۴/۱۹

پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۳۱

doi 10.22.34/nf.2026532702.1422

جدال امید و ناامیدی در دوران سووشون و نقره: دختر دریای کابل

نجمه نظری* (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران)
پرستو بصیری (کارشناس ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران)

چکیده: انسان در زندگی شخصی و اجتماعی خود همواره در نوسان میان امید و ناامیدی است. امید به عنوان فرایندی مثبت نقشی مؤثر در سلامت جسمانی و روانی فرد و، به تبع آن، جامعه دارد. برعکس، ناامیدی از مشارکت مؤثر در مسائل اجتماعی جامعه را به سمت رکود و انفعال می‌برد. بازتاب امید و ناامیدی در آثار ادبی از دیدگاه علوم مختلف از جمله جامعه‌شناسی، فلسفه و روان‌شناسی قابل بررسی است. پژوهش حاضر با رویکردی روان‌شناختی و با تکیه بر نظریات اسنایدر به بررسی تطبیقی نمودها و کارکردهای امید و ناامیدی در رمان‌های سووشون سیمین دانشور و نقره: دختر دریای کابل حمیرا قادری می‌پردازد. هر دو رمان، از نگاه زنان و با محوریت آنان، برهه‌ای حساس از تاریخ کشور خود را با رویکردی انتقادی نسبت به استبداد داخلی و استعمار انگلستان به تصویر کشیده‌اند. قهرمانان زن هر دو رمان با وجود نابسامانی‌ها و محدودیت‌های سیاسی - اجتماعی می‌کوشند امید را در خود و دیگران زنده نگه دارند. در هر دو رمان، روابط خانوادگی، همدلی و مهارت خوش‌بینی نقش مؤثری در تقویت امید و تداوم مسیر دارد. در سووشون، استعمار عامل اصلی نابسامانی اوضاع و ستم حاکم است و در رمان قادری، استبداد داخلی منشأ فساد، ناامنی و ناامیدی است.

کلیدواژه‌ها: امید، ناامیدی، سیمین دانشور، سووشون، حمیرا قادری، نقره: دختر دریای کابل.

۱. درآمد

امید و امیدواری همچون نیرویی شناختی و انگیزشی در چند دهه اخیر بسیار هدف توجه مطالعات ادبی و روان‌شناختی قرار گرفته است و صاحب‌نظرانی مانند کارل میننجر^۱ (۱۸۹۳-۱۹۹۰)، چارلز ریک

* n.nazari@basu.ac.ir (نویسنده مسئول)

1) Karl Menninger

اسنایدر^۱ (۱۹۴۴-۲۰۰۶) و اِوِرت ورتینگتون^۲ (۱۹۴۶-) نظریاتی قابل توجه در این حوزه مطرح کرده‌اند. (بهاری، ۱۳۹۳، ص ۲۳-۲۴)

هر تغییری در قلمرو سیاست، فرهنگ، جامعه و اقتصاد نیازمند آگاهی و امید همراه با هم‌بستگی و کنشگری اجتماعی است. با توجه به تاریخ پرفراز و نشیب ایران و حوادث مختلف سیاسی - اجتماعی در طول تاریخ، بسیاری از شاعران و نویسندگان کوشیده‌اند تا روح تلاش، عشق و امید را در جامعه زنده نگه دارند. از آن جمله می‌توان به سیمین دانشور (۱۳۰۰-۱۳۹۰) اشاره کرد. دانشور در نخستین رمان خود، سووشون (۱۳۴۸)، به اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در دهه ۱۳۲۰ و حضور استعمارگران در جنوب می‌پردازد. در سووشون، تقابل و نبرد میان خیر و شر در قالب مبارزه مردم جنوب برای رهایی از تسلط قشون خارجی دیده می‌شود. یوسف، قهرمان داستان، در این مبارزه جان خود را از دست می‌دهد، اما قهرمانانی دیگر از جمله زری، همسر یوسف، راه او را ادامه می‌دهند. در پس حوادث تلخ سیاسی - اجتماعی، که زندگی شخصی قهرمانان داستان را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد، ستایش پایداری و ظلم‌ستیزی، تقویت روحیه مبارزه، تلاش برای بهبود اوضاع، امید به تغییر و این باور را می‌توان دید که با وجود تمام شکست‌ها و تجربه‌های تلخ جمعی، پیروزی هر حرکت در تداوم آن است.

حمیرا قادری (متولد ۱۳۵۸، کابل) از داستان‌نویسان معاصر افغانستان است. وی تحصیلات دانشگاهی خود را از کارشناسی تا دکتری در ایران گذراند. قادری اکنون در امریکا زندگی می‌کند. از این نویسنده، اثری پژوهشی با نام بررسی روند داستان‌نویسی در افغانستان (۱۳۸۷) منتشر شده است. در کارنامه ادبی قادری مسجد را می‌توان دید. نقره: دختر دریای کابل^۳ با رویکردی رئالیستی به اوضاع سیاسی - اجتماعی افغانستان در دوره معاصر (۱۳۰۸-۱۳۵۷ ش) با محوریت مسائل زنان می‌پردازد. قهرمانان داستان خیالی هستند، اما زمینه داستان تاریخی است و اشاره به شخصیت‌ها و وقایع تاریخی در آن بسیار دیده می‌شود. در این رمان، هفت زن که نماینده نسل‌ها و اقوام گوناگون هستند حوادث سیاسی - اجتماعی افغانستان معاصر را روایت می‌کنند. این زنان در آشپزخانه شاهی کار می‌کنند.

پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکردی روان‌شناختی، به بررسی تطبیقی دو رمان سووشون و نقره: دختر دریای کابل بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های جامعه ایران با افغانستان، امید و ناامیدی چه نمودها و کارکردهای فردی و سیاسی - اجتماعی در دو رمان دارد.

1) Charles Richard Snyder

2) Everett Worthington

۳) برای اختصار، در ادامه از رمان نقره: دختر دریای کابل، با عنوان نقره یاد می‌شود.

تاکنون پژوهشی مستقل یا مرتبط درباره بررسی تطبیقی آثار دانشور و قادری صورت نگرفته است. شهناز عرش اکمل در کتاب دوگانه امید و ناامیدی در رمان فارسی (۱۴۰۱) امید و ناامیدی را در چند رمان، از جمله سووشون، بررسی کرده و به مفهوم امید و ناامیدی، به صورت کلی و بر اساس دیدگاه‌های فلسفی، اخلاقی و روان‌شناختی توجه نشان داده ولی به جزئیات و ارائه آمار و بسامد نمودهای این مفهوم نپرداخته است. در مقاله «جلوه‌های پایداری در رمان اصل و فصل سحر خلیفه و سووشون سیمین دانشور» (۱۳۹۴) از شیخ و حسن زاده، و مقاله «بررسی مفهوم مرگ و زندگی در رمان سووشون بر پایه نشانه‌شناسی رنگ سیاه» (۱۳۹۱) از دهقانیان و مریدی، اشاره‌هایی پراکنده به مفهوم امید و ناامیدی در سووشون دیده می‌شود.

درباره رمان نقره نیز پژوهش‌های معدودی صورت گرفته است که از آن جمله‌اند: مقاله «بازنمایی سیمای زن در داستان معاصر افغانستان با تکیه بر رمان نقره: دختر دریای کابل» (۱۳۹۳) از رفیع‌زاده و دیگران، و مقاله «بررسی رویکردهای چهارگانه نقد فمینیستی الن شوالتر در رمان نقره: دختر دریای کابل اثر حمیرا قادری» (۱۳۹۷) از مولود طلائی و مهرناز طلائی.

۲. معرفی و خلاصه رمان نقره: دختر دریای کابل

این رمان به سرگذشت هفت زن می‌پردازد که در آشپزخانه ارگ سلطنتی کار و زندگی می‌کنند. اقلیما راوی داستان زندگی این زنان است. نقره در جوانی دل‌باخته مردی نظامی به نام ازمری می‌شود. اقلیما حاصل این عشق است. ازمری بدون اطلاع از بارداری همسرش به مأموریتی بی‌بازگشت می‌رود و نقره، تا پایان عمر، چشم‌انتظار او می‌ماند. زن دیگر خاله روگل است که به سبب نازایی به ازدواج دوم همسرش تن می‌دهد. بی‌بی کوزن شجاعی است که شوهرش فردای ازدواج به قتل می‌رسد و او قاتل همسرش را با نقشه و تدبیری به سزای عملش می‌رساند. مادر زریماه شوهرش را در جوانی از دست داده است و برای تن ندادن به ازدواج اجباری با برادر شوهرش همراه با زریماه خردسال می‌گریزد و برای امرار معاش به آشپزخانه ارگ سلطنتی می‌آید. زریماه دختری پرشور و نشاط است که با شهباز، عشق دوران کودکی‌اش، ازدواج می‌کند، اما قتل شهباز به دست مأموران حکومتی آن دورا از هم جدا می‌کند. صغورا دختر دیگری است که تمام اعضای خانواده‌اش را از دست داده است و برای فرار از ازدواج اجباری به آشپزخانه ارگ سلطنتی آمده است. او، تمام عمر، پنهانی در انتظار هم‌کلاسی و عشق دوران نوجوانی‌اش است و با همین انتظار و حسرت از دنیا می‌رود. اقلیما مرگ تمام شخصیت‌ها را به چشم می‌بیند یا از دیگران می‌شنود. او هرگز ازدواج نمی‌کند تا مادرش نقره تنها نماند. در پایان داستان، اقلیما پیرزنی در شرف مرگ است ولی می‌داند که نقره پادشاه جاودانه کابل است، چه اقلیمایی باشد و چه نباشد.

قادری درباره این رمان و جلد دوم آن می گوید:

به نظر خودم نقره: دختر دریای کابل و جلد دومش، اقلیما، بیان تاریخی داستان زنان افغانستان است و همچنین بیان تاریخی افغانستان از دیدگاه زنان. در این دو کتاب تلاش کرده‌ام نسل‌های متفاوت زنان و پیشرفت و عقب‌ماندگی‌هایشان، عشق و ترسشان را به تصویر بکشم. با حضور لحظه‌به‌لحظه مرگ، زندگی می‌چربد و زنان با مردان در یک فضای عاری از نفرت زندگی می‌کنند. مردان را جاده‌ها و جنگ‌ها می‌خورند و زنان را گوشه‌های خانه. در هر دو جلد این کتاب، زنان از سرتاسر افغانستان دور هم جمع می‌شوند و شانه غم هم‌دیگر می‌شوند. (هاشمی، ۱۳۹۹)

۳. امید و امیددرمانی

امید و امیددرمانی یکی از زیرمجموعه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر است. مارتین سلینگمن^۱ (۱۹۴۲-)، پدر روان‌شناسی مثبت‌نگر، موضوعات این رویکرد را شامل تجربه‌های مثبتی مانند سلامت ذهن، رضایت از زندگی، شور و شوق، شادی در حال، درک کارآمد از آینده، خوش‌بینی، امید و ایمان می‌داند. محتوای روان‌شناسی مثبت‌نگر شادکامی، احساس سیلان، معنا، عشق، قدردانی، روابط بهتر و رشد و شکوفایی انسان است. (سلینگمن، ۱۴۰۰، ص ۱۴)

یکی از مفاهیمی که رابطه مستقیمی با خوش‌بینی دارد امید است. «افراد خوش‌بین به این دلیل که فکر می‌کنند موقعیت را می‌توان به‌نوعی تحت کنترل درآورد، غالباً به‌طور مداوم تلاش می‌کنند و تسلیم نمی‌شوند. از طرف دیگر، افراد بدبین غالباً بدبختی‌ها را پیش‌بینی می‌کنند و تسلیم می‌شوند» (بونی‌ول، ۱۳۹۸، ص ۴۲). جهت‌گیری خوش‌بینانه نگرشی مثبت به جهان پیرامون است و فرد خوش‌بین با چنین نگرشی در تلاش است که دنیا را به‌صورت بهتری ببیند. «او می‌داند که جهان کامل و ایده‌آل نیست اما تلاش می‌کند وجوه مثبت قضایا را ببیند. اصولاً افراد خوش‌بین منتظر وقوع رویدادهای مثبت و خوشایند و افراد بدبین در انتظار وقوع رویدادهای ناگوار و منفی هستند.» (Cano-García et al., 2015, p.140)

با وجود اهمیت جایگاه امید در زندگی انسان، تا قبل از اسنایدر، استاد کرسی روان‌شناسی دانشگاه کانزاس، کسی نگاه موشکافانه، جدی و روشمندی به مفهوم و ماهیت امید نداشته است. این نظریه پرداز به بیان تفاوت امید و خوش‌بینی می‌پردازد و تعریف واضحی از امید ارائه می‌دهد (بهاری، ۱۳۹۳، ص ۷). از دیدگاه اسنایدر، «امید مجموعه‌ای از نیروی اراده ذهنی و نیروی راهیابی است که برای دستیابی به اهداف وجود دارد» (اسنایدر، ۱۳۹۷، ص ۱۶). مطابق این تعریف، هدفی که اقبالی برای به دست آوردنش نیست یا آن هدفی که قطعاً قابل دستیابی است هیچ یک بخشی از امید به حساب نمی‌آید؛ برای رسیدن به

1) Martin Seligman

هدف، تلاش و ممارست لازم است. امید انسان را به حرکت وامی دارد، درحالی که خوش بینی و خوش باوری هدایتگر انسان به سمت انتظار داشتن بهترین هاست اما لزوماً هیچ گونه تفکر نقادانه ای درباره اینکه چگونه باید به چنین رشدی در آینده رسید ایجاد نمی کند (همان، ص ۱۷-۲۸)؛ پس بر خلاف تصور بسیاری که امید را با خوش بینی اشتباه می گیرند، «امید فقط به این معنا نیست که "مثبت بیندیش"، هرچند که در امید، مثبت اندیشی وجود دارد.» (بهاری، ۱۳۹۳، ص ۲۹)

تعریف اسنایدر از امید بر تعیین هدف و تلاش برای رسیدن به آن بسیار تأکید دارد:

افراد امیدوار، علی رغم هر اتفاقی که در اطرافشان در حال رخ دادن است، احساس قدرت، هم بستگی و مرکزیت می کنند. آن ها در رویارویی با موانع و مشکلات اعتماد خود را از دست نمی دهند و به هدف فکر می کنند. آن ها معتقدند همیشه منابع کافی در اطراف و درونشان هست که به وسیله آن می توانند بر هر مشکلی غلبه کنند؛ از این رو، هرگز از چاره جویی باز نمی ایستند. فرد امیدوار، هر اندازه تنها یا تحت فشار باشد، می تواند هدف و دلیلی برای زندگی پیدا کند. (به نقل از: سیولی و بیلر، ۱۳۹۱، ص ۱۵)

امیددرمانی جریان آموزشی فعالانه ای است که مراجعان را یاری می دهد تا هدف های روشنی را تدوین کنند و راه های متعدد دستیابی به اهداف را بررسی و مدیریت کنند و بر موانع غلبه یابند. از دیدگاه اسنایدر، امیددرمانی دارای دو مرحله اصلی است: اول امیدسازی یا القای امید، و دوم افزایش و ابقای امید. (بهاری، ۱۳۹۳، ص ۷۶-۸۰)

آلبرت بندورا^۱ (۱۹۲۵-۲۰۲۱)، روان شناس کانادایی، بر این باور است که

افرادی که احساس کارایی بالایی دارند معتقدند می توانند به نحو مؤثری با وقایع و موقعیت ها برخورد کنند؛ از این رو در کارها استقامت به خرج می دهند و اغلب در سطح بالا عمل می کنند. این افراد مشکلات خود را، به جای تهدید، چالش می دانند و فعالانه در جست و جوی موقعیت های تازه هستند. احساس کارایی بالا ترس از شکست را کاهش می دهد، سطح آرزوها را بالا می برد و توانایی حل مسئله و تفکر تحلیلی را بهبود می بخشد. احساس کارایی همان "نیروی اعتقاد داشتن به این که می توانید" است. (به نقل از: شولتز و شولتز، ۱۳۹۸، ص ۵۳۶-۵۳۷)

۴. بررسی تطبیقی مفهوم امید و ناامیدی در سووشون و نقره: دختر دریای کابل

مضمون های مرتبط با امید و ناامیدی در رمان های سووشون و نقره گاه در افکار و گفت و گوی شخصیت ها و گاه در توصیف نویسنده از وقایع و وضعیت حاکم نمود پیدا می کند. در نتیجه بررسی های انجام شده، ۴۰۵ شاهد در رمان سووشون و ۵۹۲ شاهد در رمان نقره یافت شد که به

1) Albert Bandura

امید و ناامیدی دلالت می‌کنند. امید در سووشون ۷۵٪ و در نقره ۶۷٪ نمونه‌ها را دربرمی‌گیرد. نمونه‌های یافت‌شده در چهار بخش بررسی و تحلیل می‌شود.

۴-۱. عوامل مؤثر در ایجاد و تقویت امید

عوامل مؤثر در ایجاد و تقویت امید را در دو رمان مورد نظر می‌توان در سه بخش زندگی شخصی، اوضاع سیاسی - اجتماعی و باورهای دینی بررسی و تحلیل کرد.

زندگی شخصی

در هر دو رمان سووشون و نقره، با توجه به اوضاع نابسامان سیاسی - اجتماعی، خاستگاه امید غالباً زندگی شخصی است. عشق به همسر، روابط خانوادگی و روابط دوستانه مبتنی بر محبت و همدلی در ایجاد و تقویت انگیزه زیستن، رضایتمندی، امیدواری و تاب‌آوری در برابر ناملایمات در هر دو رمان نقشی اساسی دارد. در سووشون، این ارتباط عاطفی بیش از همه در خانواده یوسف دیده می‌شود. در رمان نقره، رابطه اقلیما با مادرش نقره نمونه‌ای از رابطه مبتنی بر مهر و همدلی است. عشق نقره به ازمری و عشق زریماه و شهباز به یکدیگر، اگرچه با حسرت و اندوه و ناکامی همراه است، برای نقره و زریماه انگیزه‌ای برای زیستن است. امید نقره و زریماه به بازگشت معشوق و انتظار آنان کارکردی دوگانه دارد، بدین معنی که اگرچه گاه جنبه سازنده و مثبت دارد، اما در مواردی نیز مانع از پذیرش حقیقت و موجب بی‌تابی و اندوه شدید آنها می‌شود.

در هر دو رمان، زنان می‌کوشند با همدلی و محبت نسبت به اطرفیان نشان حضوری مؤثر و امیدبخش داشته باشند. توجه زری به عمه خانم و شنیدن حرف‌های او (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۶۹-۷۰) و حضور «پیامبرانه» دکتر عبدالله خان بر بالین زری (همان، ص ۲۸۵) نمونه‌ای از همدلی مؤثر است. حمایت عاطفی برای بقای انسان مانند هوا، آب و غذا ضروری است. اگر احساس بیگانگی و طرد شدن به انسان دست دهد، با کسانی ارتباط برقرار می‌کند که به او امیدواری دهند و همیشه پذیرای او باشند (سیولی و بیلر، ۱۳۹۱، ص ۱۷۵). اتحاد و همدلی زنان با یکدیگر در تقویت امید در هر دو رمان مؤثر است و مصادیق «زنان علیه زنان» را به ندرت و در مواردی مانند رفتار عزت‌الدوله با زری می‌توان دید. خنده و شوخی زنان با یکدیگر و رقصیدن یکی از سازوکارهای دفاعی در رمان نقره است. از دیدگاه مکتب معنادرمانی، «شوخی بیش از هر چیز دیگری می‌تواند انسان را از وضعیت سخت موجود جدا سازد و به او توانی ببخشد تا در برابر هر گونه سختی و زشتی برخیزد، اگرچه برای چند ثانیه بوده باشد.» (فرانکل، ۱۳۸۳، ص ۶۸)

رؤیا و خیال‌پردازی نوع دیگری از مکانیزم‌های دفاعی زنان در برابر محرومیت‌ها و نیازهای بی‌پاسخ‌مانده در هر دو رمان، به ویژه در نقره، است. «در ذهنیت رمانتیک زنانه، دنیای رؤیا و خیال جبران‌کننده بسیاری از آرزوها و رؤیاهای دور و دست‌نیافتنی زنان است. زنان نسبت به مردان با

رؤیایها بیشتر مأنوس اند» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۴۱۷). اقلیما از کودکی با خیال‌پردازی و رؤیا انس می‌گیرد و در شرایط سخت به آن پناه می‌برد. (قادری، ۱۳۸۸، ص ۲۳۵ و ۲۳۷)

امید با صرف وقت، نیرو و استعداد از جانب عموم جامعه برآمدنی است. در رمان نقره، شخصیت‌های اصلی زنان هستند. با توجه به جایگاه زنان در افغانستان، در این رمان، امید غالباً به صورتی منفعل و همراه با رؤیاپردازی، صبر، آرزو و انتظار نمود پیدا می‌کند. در این میان، بی‌بی‌کو زنی است که برای تحقق امید خود تلاش می‌کند. او، در برابر حیرت دیگران، به خواستگاری قاتل همسرش پاسخ مثبت می‌دهد و در فرصتی مناسب، او را به قتل می‌رساند. (همان، ص ۱۱۴)

ادراک افراد از مسائل زندگی تحت تأثیر عواملی مانند نگرش خوش‌بینانه و بدبینانه است. «افراد خوش‌بین در برخورد با چالش‌ها راحت‌تر برخورد می‌کنند، در حالی که همین مشکلات در افراد بدبین می‌تواند منجر به بروز مشکلات روان‌شناختی شود» (Baltacı & Yağlı-Soykan, 2020: p.170). در گفت‌وگوهای هر دو رمان، از جمله در سخن گفتن زری با یوسف که خودش را در مرگ چوپانش مقصر می‌داند، نمونه‌هایی از مهارت خوش‌بینی همچون عاملی برای مقابله با ناامیدی دیده می‌شود (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳). زری می‌کوشد ذهنیت یوسف را نسبت به ماجرای مرگ چوپان تغییر دهد.

اوضاع سیاسی - اجتماعی

نمود امیدواری در حوزه مسائل سیاسی - اجتماعی در رمان نقره، که به وضعیت زنان فرودست در جامعه‌ای نابسامان می‌پردازد، کمتر دیده می‌شود. در رمان سووشون، با توجه به حضور برجسته مردان مبارز، امید فعال نمود بیشتری دارد. با این حال، امید در قالب مبارزه مسلحانه علیه ستم در هر دو رمان دیده می‌شود. یوسف و هم‌زمانش بر این باورند که با ایستادگی در برابر بیگانگان می‌توان به اصلاح وضع موجود و گذر سالم از بحران‌ها امیدوار بود. آنها ترسی از شکست ندارند و می‌دانند حتی اگر به نتیجه دلخواه نرسند، نسل آینده راه آنها را ادامه خواهد داد. «ملک رستم گفت: هیچ کاری هم که نتوانیم بکنیم به بچه‌هایمان راه را نشان داده‌ایم... و تا هزاران سال خون همه به کین ما خواهد جوشید» (همان، ص ۱۹۶). امید، به خصوص برای کسانی که زندگی دشواری را سپری می‌کنند، اهمیت بیشتری می‌یابد. «برای بازماندگان از بحران، امید بزرگ‌ترین درمان است. تنها نیرویی است که بشر را در کمال امنیت از میان سرزمین‌های ناشناخته هدایت می‌کند.» (ونینگا، ۱۳۸۷، ص ۳۵۵)

در رمان نقره، در دوران سلطه استبداد و خفقان حاکم، مبارزانی شجاع و آزادی‌خواه علیه ستم به پامی خیزند. در مراسم اعدام قاتلان نادرشاه، یکی از جوانان محکوم به اعدام سخنانی پرشور در ستایش آزادگی، ظلم‌ستیزی و امید به پیروزی حق و حقیقت بیان می‌کند (قادری، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹).

در هر دو رمان، مقابله با آزادی خواهان مبارزان را در ادامه راه مصمم تر می کند. امید به هوشیاری، آگاهی و تلاش نسل های آینده برای اصلاح و تغییر در هر دو رمان دیده می شود. بی بی کو در برابر شگفتی زنان از صحبت های پر معنی اقلیمای کودک می گوید: «دخترهای این دوره و زمانه هوشیار هستند. دنیا همین قسم است. هر چی پیش تر برویم، مردم هوشیارتر می شوند. باز دختر اقلیما از خودش هوشیارتر خواهد بود» (همان، ص ۲۲۴). در سووشون نیز خسرو، با وجود از دست دادن پدر، به ادامه دادن راه او و خون خواهی امیدوار است. (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۲۵۰)

در رمان نقره، حضور مردان کمتر دیده می شود. با این همه، در هر دو رمان، نقش اصلی و مؤثر با مردان است و حضور یا رفتن آنهاست که زندگی زنان را تحت تأثیر قرار می دهد. به عبارت دیگر، در هر دو رمان، سیاست بر زنان جاری می شود و حال و آینده آنها را رقم می زند. با این همه، زنان، با وجود سرکوب جامعه و محدودیت هایی که دارند، می کوشند در حوزه اختیارات و توانایی های خود حضوری فعال داشته باشند. زری با توجه به تحصیل کرده بودنش و پرورش یافتن در خانواده ای روشنفکر و با توجه به ارتباطات گسترده با طبقات مختلف جامعه از آگاهی بیشتری نسبت به زنان دیگر برخوردار است. او در طول رمان به تدریج از مصلحت جویی به سمت حق طلبی و ظلم ستیزی می رود و می کوشد مانند یوسف، با ایستادگی در برابر خواسته های ناحق دیگران، کمک به نیازمندان و مخالفت با دخالت بیگانگان، حضوری فعال و مؤثر داشته باشد. «شجاعت اغلب با خودتعیین گری، ایمان، امیدواری و پشتکار مرتبط است، به خصوص زمانی که فرد در تلاش به سمت چیزی با ارزش ذاتی است و در عین حال ترس نیز دارد.» (کورتیس و کلی، ۱۳۹۶، ص ۹۱)

از دست دادن یوسف، اگرچه برای زری ضایعه ای سخت است، اما موجب بیداری و تقویت روحیه شجاعت و ظلم ستیزی در او می شود. «این پدیده رشد پس از آسیب نامیده می شود. بسیاری از مردم پس از سوانح احساس می کنند قوی تر شده اند و اعتماد به نفس بیشتری دارند. برخی در اتفاقی که رخ داده معنایی کشف می کنند که به رشد دیدگاه منسجم و رضایت بخش و فلسفه زندگی منجر می شود.» (تدسچی و کالمون، ۲۰۰۴، به نقل از: بونی ول، ۱۳۹۸، ص ۱۱۶)

در روان شناسی امید، بر تعیین هدف تأکید می شود؛ «امید یعنی نیروی اشتیاق ذهنی به اضافه نیروی راهیابی برای رسیدن به هدف» (اسنایدر، ۱۳۹۷، ص ۲۶). در رمان سووشون، سرهنگ پادگان سمیرم در برابر عشایر مهاجم، به جای تسلیم و پذیرش شکست، اتخاذ راهکارهای گوناگون و مقاومت تا پای جان را انتخاب می کند. در رمان نقره، زنان در بستر فقر، جنگ، سرکوب و انواع محدودیت ها از فرصت های اندکی که دست می دهد برای رسیدن به رشد فکری، آگاهی و بازیابی هویت خویش بهره می گیرند. آن ها در فضای بسته ارگ شاهی از یکدیگر خواندن، نوشتن، قرآن و

شعر حافظ می‌آموزند. در هر دو رمان، زنان با برقراری روابط انسانی مثبت و سازنده می‌کوشند امید را در دل خود و دیگران زنده نگه دارند.

در روان‌شناسی، از امید واهی و آسیب‌های آن نیز بحث می‌شود. از دیدگاه اسنایدر، «امید واهی خطراتی را که امید واقعی تشخیص می‌دهد تمیز نمی‌دهد؛ امید واهی می‌تواند تعادل بین انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را بر هم زند» (بهار، ۱۳۹۳، ص ۳۲). نمونه بارز امید واهی در سووشون، امید به نجات‌بخشی بیگانگان اعم از انگلستان و شوروی است که در برخی از شخصیت‌ها مانند برادر یوسف و آقای فتوحی دیده می‌شود.

باورهای دینی

در نظریه امید اسنایدر، بر تعیین هدف، انتخاب مسیر، باور و تلاش برای رسیدن به هدف تأکید می‌شود (اسنایدر، ۱۳۹۷، ص ۲۶). معنویت می‌تواند انسان را در تعیین اهدافی فراتر از زندگی مادی و انتخاب مسیری تازه و درونی یاری دهد و نیروی روانی پایدارتری ایجاد کند. در هر دو رمان، زیارت مقبره انسان‌های بزرگ منبع امید، آرامش و تقویت نیروی روانی است. در سووشون، عمه‌خانم آرزوی زیارت و مجاور شدن در بارگاه امام حسین (ع) را دارد. این امید و آرزو تسلی‌بخش او در لحظات سخت زندگی است (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۶۹). برای نقره و دوستانش، زیارت مقبره شاه دوشمشیره پناهگاهی معنوی است: «نقره هر وقت به زیارت می‌آمد، پر می‌شد از آرامش» (قادری، ۱۳۸۸، ص ۲۱۹). زیارت از آنجا که ضمن تمرکز بر خواسته، با آرزو و امید به اجابت همراه است پلی میان واقعیت موجود و آینده مطلوب است و می‌تواند انگیزه زندگی و تاب‌آوری را افزایش دهد.

پناه بردن به استعانت از خدا و معصومین (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۲۶۶)، نذر و قرآن خواندن (همان، ص ۲۴۰ و ۶۹) از دیگر عوامل امیدبخش در سووشون است که بیشتر در زنان دیده می‌شود. با توجه به ارتباط شخصیت‌های سووشون از جمله زری با مسیحیان، امید به یاری حضرت عیسی نیز در بخش‌هایی از این رمان دیده می‌شود (همان، ص ۲۳۷). در سووشون، نمود باورهای دینی به صورت پراکنده و در موقعیت‌های خاص است و تنها بروز منسجم آن در عمه‌خانم دیده می‌شود. در مقابل، شخصیت‌های رمان نقره زنانی مذهبی هستند که زیارت، دعا و قرآن خواندن پناهگاه معنوی آنهاست.

باور به وجود نیرویی برتر یا وجود معنایی والاتر موجب تقویت احساس امنیت و امید می‌شود. امید به تحقق عدل الهی و مکافات ظالم در دنیا و آخرت در هر دو رمان دیده می‌شود (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۹۰؛ قادری، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰ و ۲۷۰). از سوی دیگر، در رویارویی با بحران‌ها، معنویت همچون چارچوبی برای تفسیر رنج و جست‌وجوی معنا عمل می‌کند. تداوم ستم و ناتوانی و ناامیدی از ایجاد تغییر موجب می‌شود امید به ناپایداری دنیا و مکافات ظالم و پناه بردن به تسلیم و رضا در برابر خواست خدا در رمان نقره، به‌ویژه در میان زنان مسن، برجسته باشد. اقلیما درباره بی‌بی‌کو می‌گوید: «راضی‌ام به رضای خدا»

من این جمله را بسیار از زبانش شنیده بودم» (فادری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۸). آنچه در اوج اندوه و استیصال به اقلیما امید و قدرت تاب‌آوری می‌دهد یاد مرگ و باور به جاودانگی است (همان، ص ۳۲۶). بین پذیرش مفهوم مرگ و امیدواری ارتباط وجود دارد. «انسان‌های امیدوار نوعی پذیرش بی‌طرفانه و خنثی نسبت به مرگ از خود نشان می‌دهند.» (اسنایدر، ۱۳۹۷، ص ۹۳)

در سووشون، نمونه‌هایی از امید کاذب را نیز می‌توان دید، از جمله طمع عزت‌الدوله برای کسب درآمد از طریق قاچاق: «نشستم به دعا خواندن و به جنس فوت کردن. عمه خانم گفت: پناه به خدا برای چه کارهایی دعا می‌خوانی!» (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۱۶۹)

۲-۴. عوامل مؤثر در ایجاد و تقویت ناامیدی

زندگی شخصی

در کنار نمودهای امیدواری، ناامیدی نیز به‌صورت گذرا یا بلندمدت در هر دو رمان دیده می‌شود. در سووشون، عواملی چون بیماری، مرگ عزیزان، تنهایی (همان، ص ۲۱۵، ۶۵، ۱۸۳) و خطر از دست دادن عزیزان در غلبه ناامیدی مؤثر است. واکنش شخصیت‌ها به هجوم ناامیدی متفاوت است. برخی مقاومت می‌کنند، برخی دیگر آرزوی مرگ می‌کنند (همان، ص ۲۸۳) و در مواردی اندک نیز دست به خودکشی می‌زنند (همان، ص ۶۵). مرگ عزیزان، به‌خصوص اگر ناگهانی یا در اثر خودکشی باشد، با افسردگی و ناامیدی ارتباط مستقیم دارد. «یکی از اثرات متغیر از دست دادن همسر که تأثیر عمیق‌تر و شدیدتری دارد این است که مرگ به شکلی غیرمنتظره و ناعادلانه رخ دهد» (اسنایدر، ۱۳۹۷، ص ۱۹۲). شوهر عمه خانم زیر فشار ستم خودکشی کرده و پسرشان نیز در اثر بیماری از دنیا رفته است. این مصیبت‌ها زمینه ناامیدی و روگردانی او از دنیا را فراهم آورده است (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۶۵). ناامیدی از اصلاح اوضاع منجر به احساس درماندگی و در نتیجه افسردگی می‌شود. در این حالت، ممکن است خودکشی تنها راه ممکن به نظر برسد. «با آنکه خودکشی هنگامی رخ می‌دهد که شخص از رسیدن به اهدافش ناامید شده است اما خود مرگ به‌عنوان آخرین هدف و امید شخص ظاهر می‌شود؛ به‌عبارتی، حتی در انتهای ناامیدی هم امید دیده می‌شود.» (اسنایدر، ۱۳۹۲، ص ۲۲۹)

در رمان نقره، ناامیدی با جنبه‌های زنانه نمود پیدا می‌کند. عواملی چون بزرگ کردن فرزند بدون پدر، نازایی و دخترزایی، مرگ فرزند، بی‌مادری، از دست دادن سرپرست خانواده، خطر مرگ هنگام زایمان، مرگ عزیزان و پیرشدن در گوشه آشپزخانه در ایجاد و تقویت ناامیدی در زنان رمان مؤثر است و موجب می‌شود گاه امید را تنها در مرگ جستجو کنند. (فادری، ۱۳۸۸، ص ۸۳ و ۲۴۵)

احساس شدید ناتوانی و ناامیدی از ایجاد تغییر، که گاه بر زنان هر دو رمان غلبه می‌کند، بیش از آنکه شخصی باشد ریشه در اوضاع نابسامان جامعه و نگاه به نقش و جایگاه زن دارد. زنان رمان

سووشون غالباً از طبقات بالای جامعه هستند، در حالی که در نقره از زنان فرودست و محروم افغانستان صحبت می‌شود و از این رو، دایره مشکلات آنان گسترده‌تر و ناامیدی و اندوهشان عمیق‌تر است. مادر زریماه از عشق دخترش به شهباز باخبر است اما از آنجا که پسر اربابش زریماه را می‌خواهد کاری از دستش برنمی‌آید: « دخترکم آب شده، هیچی از دستم نمی‌شود... حالی نگاه کن که چه رقم سربرزانو پیشم پرپر می‌شود و من دستم از زمین و آسمان کنده» (همان، ص ۱۶۵). همچنان‌که در سووشون، دختر حاکم اسب محبوب خسرو را می‌خواهد و زری امکان مخالفت ندارد. ناتوانی این مادران در دفاع از حقوق اولیه فرزندان‌شان آنان را به سمت یأس و سرخوردگی سوق می‌دهد. «موانعی که بر سر راه مهم‌ترین اهداف ایجاد می‌شوند سرخوردگی بیشتری ایجاد می‌کنند زیرا چنین اهدافی بازتاب جنبه‌های مهم‌تری از هویت و شخصیت فردی و اجتماعی ما هستند.» (اسنایدر، ۱۳۹۷، ص ۱۶۷)

یکی از نظریه‌های مرتبط با افسردگی «نظریه خودخاموشی^۱» دنا کرولی جک^۲ است. بر اساس این نظریه، «برقراری روابط نزدیک انگیزه اساسی در طول زندگی زنان است. انگاره‌های رابطه‌ای زنان افسرده رفتارهایی مانند از خودگذشتگی و خودخاموشی را نشان می‌دهد و انگاره‌های شناختی در باب حفظ روابط صمیمی و ایمن زنان را و می‌دارد تا احساسات و تمایلات خود را سرکوب کنند» (ریاحی و محمودآبادی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۷). صفورا در رمان نقره نمونه چنین زنانی است. او تنها در گفت‌وگو با اقلیمای خردسال از راز عشق خود سخن می‌گوید (قادری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۴). ناتوانی در ایجاد ارتباط با دیگران رابطه‌ای دوسویه با ناامیدی دارد. «کسانی که نمی‌توانند مسائل خود را با دیگران در میان بگذارند همواره از پیامدهای روحی و روانی‌ای رنج می‌برند که بازتاب افکار نومیدانه است» (اسنایدر، ۱۳۹۷، ص ۱۹۷). ناامیدی صفورا از تغییر اوضاع، در نهایت، به ناامیدی از خدا و عدالت او می‌انجامد. (قادری، ۱۳۸۸، ص ۱۷۴)

ناامیدی سیاسی - اجتماعی

محور ناامیدی سیاسی - اجتماعی در سووشون جنگ جهانی دوم و حضور بیگانگان در ایران است که معضلاتی چون فقر، قحطی، بی‌قانونی، سرکوب، مرتبه یافتن نابکاران، بی‌عدالتی و بیماری‌های جسمی و روحی را به دنبال دارد. چنین اوضاع نابسامانی موجب گسترش ناامیدی و افسردگی در سطح جامعه می‌شود. تضعیف اتحاد و همدلی مردم و ناامید کردن آنها از تلاش برای تغییر اوضاع از اهداف استعمارگران است. زینگر انگلیسی می‌کوشد با بدبین کردن یوسف به مردم او را از کمک به آنها منصرف کند: «چه فایده که گندم‌ها را میان رعیت تقسیم می‌کنند؟ می‌رود گندم را در بازار سیاه به چند برابر قیمت می‌فروشد.» (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۲۵۰)

1) Silencing the Self Theory
2) Dana Crowley Jack

دانشور سووشون را براساس اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران نوشته است اما با خلق شخصیت مک‌ماهون به عنوان فردی استقلال طلب و صلح جو نظری به پیامدهای استعمار انگلستان در ایرلند نیز دارد. قصه‌ای که مک‌ماهون برای زری روایت می‌کند بیانگر این نکته است که سلطه جنگ و ستم و بی‌عدالتی بر جهان معاصر گاه ناامیدی از نوع بشر را به همراه دارد: «نسلشان را از روی زمین بردار و همه را خلاص کن. این‌ها که آدم‌پشو نیستند. حیف از آن جرقه‌هایی که از آتش دل خودت در سینه‌هایشان ودیعه گذاشتی! غیر از کشت و کشتار و ضعیف‌چرانی هنری ندارند.» (همان، ص ۲۲۸)

در رمان نقره، استبداد حاکم منشأ سرکوب، ستم، بی‌عدالتی، فقر، جنگ و کشتار، شکنجه، مجازات‌های غیرانسانی و تعرض مأموران حکومتی به زنان است. تداوم این اوضاع نابسامان به کاهش امید اجتماعی و امید به آینده و امید به ایجاد تغییرات و تحولات ساختاری می‌انجامد. در این میان، زنان در جایگاه قشر فرودست و آسیب‌پذیر جامعه صدمات بیشتری را متحمل می‌شوند: «مردم دخترهایشان را با ده سیر گندم معامله می‌کردند» (قادری، ۱۳۸۸، ص ۵۵). «نقره‌های دولت به دامن زن‌ها دست‌درازی می‌کنند و کسی هم زبان باز نمی‌کند» (همان، ص ۱۴۱). پیامدهای چنین وضعیتی ناامیدی و خودکشی برخی زنان است: «مردهایشان کشته شد و زن‌ها خودشان را به دریا ریختند.» (همان، ص ۱۳۷)

آمدن و رفتن سلسله‌های گوناگون در ایران و افغانستان و تداوم ظلم و استبداد موجب شده است نوعی ناامیدی از قدرت حاکم در هر دو رمان دیده شود. از منظر برخی اندیشمندان معاصر، حرکت از جانب امید واهی به سمت نگرانی معقول در وجهی مثبت می‌تواند منشأ حرکت توده شود زیرا «در هر جامعه و در هر برهه تاریخی نمی‌توان به کسی که قدرت در مشتش است امید داشت. از نهاد سیاست هیچ خیری بر نمی‌خیزد؛ خود ما باید امیدهایمان را محقق کنیم» (ملکیان، ۱۳۹۶). بازتاب ناامیدی از حاکمان و تلاش توده برای تغییر اوضاع را در هر دو رمان می‌توان دید.

۳-۴. نمودهای امید و ناامیدی در فرهنگ عامه

در هر دو رمان، نمود امید و ناامیدی در قالب فرهنگ عامه، از جمله باورها، آداب و رسوم، ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها، دعاها، نفرین‌ها، و تعبیر خواب‌ها دیده می‌شود. نمود آداب و رسوم در نقره با توجه به فضای سنتی جامعه بیشتر است. با این حال، در سووشون نیز مواردی چون شکستن تخم مرغ و دود کردن اسفند به عنوان نوعی بلاگردان و محافظ در برابر بیماری و اتفاقات شوم دیده می‌شود. (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۲۷۶)

در رمان نقره، بسیاری از آداب و رسوم عروسی زریماه، مانند پاشیدن نقل بر سر عروس و شال سبز (قادری، ۱۳۸۸، ص ۱۷۵)، بیانگر نمادین آرزوی خوشبختی برای عروس است. همچنین باور به این که «اگر اولین دندان شیری افتاده را به نیت کسی به دریا بیندازند، عمر آن شخص طولانی می‌شود» بیانگر امید و آرزوست. (همان، ص ۲۵۶)

وجود کلیشه‌های جنسیتی در فرهنگ جامعه می‌تواند در تقویت احساس ناتوانی و ناامیدی نقش داشته باشد. «در فرهنگ هر جامعه طرح‌واره‌هایی از گروه‌هایی که در آن جامعه زندگی می‌کنند وجود دارد؛ بخشی از این طرح‌واره‌ها خود را به صورت کلیشه نشان می‌دهند. بزرگ‌ترین گروه‌بندی که در یک جامعه می‌توان انجام داد تقسیم اعضای جامعه به دو گروه زن و مرد است. بدین ترتیب، کلیشه‌های جنسیتی از مهم‌ترین کلیشه‌های مطرح در فرهنگ جامعه هستند.» (صادقی فسلی و کریمی، ۱۳۸۴، ص ۷۰) ستایش پسرزایی و نکوهش دخترزایی در کنار نگاه تحقیرآمیز به زنان و یادکردن از آنان با القابی مانند سیاه‌سر، اسیر دست مردم، درخت خشک (زن نازا)، سرخور و چشم‌سفید در رمان نقره احساس ناتوانی و بی‌کفایتی و در نتیجه ناامیدی را در زنان ایجاد یا تقویت می‌کند. باور به بخت و سرنوشت و عباراتی مانند سیاه‌گلیم بودن در هر دو رمان (با بسامد بیشتر در رمان نقره) بیانگر ناامیدی از تغییر اوضاع است (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۱۶۶؛ قادری، ۱۳۸۸، ص ۱۰). امید واهی به مواردی مانند کف‌بینی و دعانویسی برای حل مشکلات در هر دو رمان (با بسامد بیشتر در رمان نقره) دیده می‌شود.

زنان دو رمان گاه ناامید از تغییر وضعیت حاکم به نفرین پناه می‌برند. بی‌بی‌کو نادرشاه را چنین نفرین می‌کند: «خدا بزند او را، سر پل صراط بماند، پایین‌تر از شیطان بسوزد» (قادری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸). امید به تحقق عدالت الهی، حتی اگر در جهان دیگر باشد، به نوعی موجب تسکین خاطر است. در چگونگی کاربرد ضرب‌المثل‌ها نیز در هر دو رمان می‌توان نمود امید و ناامیدی را دید. مثلهایی مانند «آبی که به جو پس آید ماهی مرده را چه فایده» (همان، ص ۳۱۶) و «با چهار تا گل بهار نمی‌شود» (همان، ص ۱۸۹) در رمان نقره بیانگر ناامیدی است. در سووشون، مثل‌هایی چون «کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد» (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۲۱۱) امید را بیان می‌کند و «گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه...» (همان، ص ۲۱۱) ناامیدی را.

با وجود آنکه شخصیت‌های اصلی رمان نقره زنانی سنتی هستند تعبیر خواب در این رمان جایی ندارد. خواب‌ها بازتاب افکار و احساسات منفی مانند ترس و ناامنی هستند. در رمان سووشون، نگرانی زری در کابوس‌هایش نمود پیدا می‌کند اما عمه خانم از این خواب‌ها برداشتی مثبت و امیدوارکننده دارد و در نهایت نیز با بیان جمله «خواب زن چپ است» صحبت از خواب‌های پریشان را تمام می‌کند. (همان، ص ۲۳۹)

۴-۴. نمودهای ادبی امید و ناامیدی

یکی از شیوه‌های مؤثر در مسائل تربیتی و روان‌شناختی استفاده از قصه با هدف تغییر و اصلاح باورها و رفتارهاست. «قصه‌های پریان از سر نارضایتی، محرومیت و ناامیدی به وجود آمده‌اند. ما با تخیلی خلاق با نیروهای آزادکننده مقابله می‌کنیم. با آرزو، رؤیا، جست‌وجو و... می‌کوشیم زندگی را قابل‌تحمل‌تر کنیم.» (زاییس، ۱۳۸۰، ص ۲۵)

در سووشون، چهار قصه از زبان شخصیت‌ها نقل می‌شود. مضامین این قصه‌ها آزادی، آزادی، آزادی، آرزوی بهبود وضعیت کودکان و تأکید بر اختیار انسان است: «مردی بود که طیاره‌ای ساخته بود به چه بزرگی! بار این طیاره همه‌اش اسباب‌بازی بود و کتاب قصه و میوه و خوراکی برای بچه‌ها...» (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۶۸)

اگرچه قصه‌ها محملی ارزشمند و غنی برای بیان آرزوها و رؤیاهای هستند سه قصه‌ای که در رمان نقره نقل می‌شود فاقد هر گونه تفکر و نگرش مثبت است. مضمون این قصه‌ها جنایات و اعمال خشونت‌آمیز شاهان و موجودات ماوراءالطبیعه مانند آل (قادری، ۱۳۸۸، ص ۸۷) است. پایانی بر این جنایات متصور نیست. این بی‌پایانی القاکننده ناامیدی و ناتوانی فردی و اجتماعی در ایجاد تغییر است. بی‌بی‌کو از قصه پادشاه شهر خود برای توصیف ستم نادرشاه استفاده می‌کند: «پادشاهی که مردم را از پاهایشان آویزان می‌کرد و کاسه چشمشان را خالی. چشم‌ها را دانه‌دانه به دهان می‌گذاشت، سفید چشم‌ها را جدا، سیاهی چشم را جدا» (همان، ص ۲۲۰). صفورا داستان ضحاک را نقل می‌کند (همان، ص ۲۲۵)، اما فقط به جنایات ضحاک می‌پردازد؛ حذف پایان خوش این داستان بیانگر ناامیدی و تسلیم است.

در هر دو رمان، نمادها حضوری برجسته دارند. ۲۷ نماد مرتبط با امید و ۴ نماد مرتبط با ناامیدی در سووشون دیده می‌شود. برجسته‌ترین نماد در این رمان سیاوش است. چگونگی زندگی و مرگ سیاوش و زنده ماندن نام و یاد او موجب شده نمادی از حیات دوباره و امید به آینده و پیروزی راستی بر ناراستی باشد. «این‌که کیخسرو همراه با بالندگی گیاه خون‌سیاوش رشد می‌یابد کنایتی از جوشش خون بی‌گناه است و پیدایی آن کسی که نمی‌گذارد این خون به هدر شود و کین بی‌گناه را می‌ستانند» (حمیدیان، ۱۳۸۷، ص ۲۴۹). نام خسرو، پسر یوسف، یادآور خونخواهی کیخسرو و زنده نگه داشتن نام پدر است و امید به این‌که آزادی و حق‌طلبی در نسل‌های آینده به ثمر می‌نشیند. سحر، اسب خسرو، نیز نمادی امیدبخش است. نماد پرکاربرد دیگر در سووشون امام حسین (ع) است. واقعه عاشورا در بطن خود دعوت به ایستادگی در برابر ستم و امید به تداوم ارزش‌ها و پیروزی نهایی حقیقت را در بر دارد.

در مقابل، چهار نماد مرتبط با ناامیدی نیز در سووشون دیده می‌شود: گم کردن ستاره (دانشور، ۱۳۹۲، ص ۲۵۹): سرگردانی و پریشانی؛ حل‌وای آهک (همان، ص ۲۶۰): ناامیدی و ناتوانی؛ شب (همان، ص ۲۷۶): ستم و اندوه؛ و سیاه (همان، ص ۱۷۴): ناامیدی و ستم.

در رمان نقره، ۱۸ نماد مرتبط با امید و ۷ نماد ناامیدی دیده می‌شود. انار با ۴۰ بار تکرار پربسامدترین نماد در این رمان است. مرگ نقره نیز کنار درخت انار رخ می‌دهد (قادری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۸). رنگ سرخ، ماندگاری طولانی، داشتن تاج و دانه‌های فراوان موجب شده انار نماد باروری، آگاهی و کمال باشد (نک. شوالیه و گربران، ۱۳۷۷-۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۵۰-۲۵۱). حضور نمادین

انواع پرندگان (موسیچه، مرغ مینا، طاووس و مرغابی) همچون نمادی از آرزوی رهایی در رمان نقره جلب توجه می‌کند. موسیچه با سی تکرار بیشترین بسامد را دارد. «به باور مردم افغانستان، هرگاه موسیچه در خانه‌ای تخم‌گذاری کند، آن را به فال نیک می‌گیرند» (انوری، ۱۳۹۱). از دیگر نمادهای مرتبط با امید در رمان نقره می‌توان به ستاره (امید به روشنایی در تاریکی، بخت و اقبال، جاودانگی، آرزو)، درخت (زندگی، رشد و تکامل) و کاغذباد (شادی، رهایی و آرزو) اشاره کرد. کاغذباد (بادبادک‌بازی) از بازی‌های مرسوم در افغانستان است.

پرکاربردترین نماد مرتبط با ناامیدی در رمان نقره رنگ سیاه (سی مورد) است. «سیاه نمایانگر مرز مطلقی است که در فراسوی آن، زندگی متوقف می‌گردد، لذا بیانگر پوچی و نابودی است» (لوشر، ۱۳۸۹، ص ۹۷). در خیال اقلیما، آسمان ارگ با ابرهای سیاه پوشیده شده است (قادری، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰). نماد پرکاربرد دیگر دیوار است. دیوار نشانه جدایی است، جدایی میان برادران، مرزها، ملت‌ها، خداوند و مخلوق. دیوار مفهومی دوگانه دارد: از یک سو موجب امنیت است و از سوی دیگر عامل خفقان و حبس شدن (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۷-۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۹۷-۲۹۸). دیوارهای بلند ارگ مانع آزادی و رهایی است و احساس ناتوانی و ناامیدی را در زنان ساکن در آن تقویت می‌کند: «دیوارهای ارگ بسیار بلند است. نگاه کن، به خیال آدم تا به آسمان و ابرها می‌رسد» (قادری، ۱۳۸۸، ص ۶۳۰). درخت، ستاره، سبز، سرو و خورشید از نمادهای مرتبط با امید در هر دو رمان است. شب و سیاهی نیز همچون نمادی از ناامیدی در هر دو رمان مشترک است.

۵. نتیجه‌گیری

دو رمان سووشون و نقره از نگاه زنان، به مسائل سیاسی - اجتماعی ایران و افغانستان معاصر می‌پردازند. محور سووشون تبعات حضور بیگانگان در ایران و محور رمان نقره جنایات حاکمان خودکامه در افغانستان است. در هر دو رمان، همدلی و روابط خانوادگی و دوستانه بیشترین نقش را در امیدواری زنان دارد. از سوی دیگر، در هر دو رمان، احساس تنهایی، نداشتن هم‌صحبت، خشونت علیه زنان و نگرانی و غم از دست دادن عزیزان، از یک سو، و روند روزافزون فقر و تحقیرشدگی ناشی از غارت و سلطه، از سوی دیگر، از عوامل مؤثر در ناامیدی است که گاه منجر به کفرگویی، آرزوی مرگ و خودکشی می‌شود. در هر دو رمان، نقش عاطفی زنان حول محور خانواده موجب شده است تا زندگی شخصی نقش مؤثرتری در امید و ناامیدی زنان داشته باشد. با توجه به حضور پررنگ مردان در سووشون، امید سیاسی - اجتماعی و فعال در این رمان نمود بیشتری دارد، درحالی‌که امیدواری زنان در رمان نقره غالباً به گونه‌ای منفعل و در قالب انتظار، آرزو و رؤیا دیده می‌شود. نمونه‌های امید فعال در این رمان بیشتر به مبارزات مردان اختصاص دارد.

برآورده کردن امید دیگران در قالب کمک‌های مادی، به دلیل رفاه خانواده یوسف، در سووشون بیشتر دیده می‌شود. در هر دو رمان، افراد مسن برای زنده نگه داشتن امید در دل جوانان تلاش می‌کنند. همدلی زنان با یکدیگر و تلاش برای کاستن از رنج دیگری، همراه با امید به خونخواهی، انتقام و تداوم راه توسط نسل آینده در هر دو رمان به شخصیت‌ها انگیزه تلاش و مقاومت می‌دهد. امید واهی به بیگانگان در سووشون با امید واهی به حاکمان در رمان نقره قابل مقایسه است. زنان رمان نقره در غالب موقعیت‌ها از ایجاد تغییر ناتوان‌اند؛ از این رو، امید با رویکرد دینی و در قالب باور به تقدیر و سرنوشت، تسلیم و رضا و امید به تقاص دادن ظالم در میان آنان بیشتر دیده می‌شود. زیارت بزرگان به عنوان منبع آرامش و امید در هر دو رمان نمود دارد ولی توسل به معصومین و زیارت آنها در رمان نقره دیده نمی‌شود. این تفاوت بین دو رمان برخاسته از تفاوت مذهبی دو نویسنده (شیعه - حنفی) است. در سووشون، با توجه به گذار جامعه از سنت‌ها به سمت مدرنیسم و فضای روشنفکری حاکم بر رمان، امید با رویکرد دینی کمتر دیده می‌شود. از سوی دیگر، تغییر جایگاه زنان و آگاهی و بیداری آنان موجب شده امید فعال در زنان سووشون، به‌ویژه زری که زنی تحصیل کرده است، بیشتر دیده شود. با توجه به پایان امیدبخش دو رمان می‌توان گفت هر دو نویسنده تلاش دارند امید را در خود و در جامعه زنده نگه دارند. براساس نظریه اسنایدر، هر دو رمان این پیام را منتقل می‌کنند که امید همیشه در گرو رسیدن به مقصد نیست بلکه به معنی داشتن هدف، قدم نهادن در مسیر، تقویت اراده و تداوم حرکت است.

منابع

- اسنایدر، چارلز ریک (۱۳۹۷)، روان‌شناسی امید (شما می‌توانید از اینجا به آنجا برسید)، ترجمه فرشاد بهاری، تهران، دانه.
- انوری، مهریه (۱۳۹۱)، «باور افغان‌ها در مورد موسیچه و دو پرنده مشابه به آن»، رادیو آزادی. [https:// azadiradio.com/a/24562073.html](https://azadiradio.com/a/24562073.html) da. ۱۰ ثور ۱۳۹۱
- بونی‌ول، ایلونا (۱۳۹۸)، روان‌شناسی مثبت در یک نگاه (علم شادکامی)، ترجمه حسن‌پاشا شریفی و سیمین‌دخت رضاخانی، تهران، رشد.
- بهاری، فرشاد (۱۳۹۳)، مبانی امید و امیددرمانی (راهنمای امیدآفرینی)، تهران، دانه.
- حمیدیان، سعید (۱۳۸۷)، درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، تهران، ناهید.
- دانشور، سیمین (۱۳۹۲)، سووشون، چ ۱۹، تهران، خوارزمی.
- ریاحی، محمداسماعیل و زینب محمودآبادی (۱۳۹۷)، «تبیین جامعه‌شناختی اثر نقش‌های جنسیتی بر افسردگی با تأکید بر مفهوم خودخاموشی»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۹، ش ۱ (پیاپی ۶۹) (بهار)، ص ۱۲۹-۱۴۶.

زاییس، جک (۱۳۸۰)، هنر قصه‌گویی خلاق، ترجمه مینو پرنیانی، تهران: رشد.

سلیگمن، مارتین ای. پی. (۱۴۰۰)، شکوفایی روان‌شناسی مثبت‌گرا (درک جدیدی از نظریه شادکامی و بهزیستی)، ترجمه امیر کامکار و سکینه هژبریان، تهران، روان.

سیولی، آنتونی و هنری بی. بیلر (۱۳۹۱)، نیروی امید (بر مشکلات دلهره‌آور زندگی تان غلبه کنید، هر چه باشند)، ترجمه مریم تقدیسی، تهران، ققنوس.

شوالیه، ژان و آلن گریبان (۱۳۸۷-۱۳۷۷)، فرهنگ نمادها، ۵ ج، ترجمه سودابه فضایی، تهران، جیحون.

شولتز، دوان پی. و سیدنی الن شولتز (۱۳۹۸)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش.

صادقی فسایی، سهیلا و شیوا کریمی (۱۳۸۴)، «کلیشه‌های جنسیتی سریال‌های تلویزیونی ایرانی (سال ۱۳۸۳)»، زن در توسعه و سیاست، س ۳، ش ۳، آذر، ص ۵۹-۸۹.

کورتیس، دورا اف. و لیزا ال. کلی (۱۳۹۶)، «تأثیر مداخله‌هایاری کیفیت زندگی بر شجاعت روان‌شناختی و خودتعیین‌گری»، ترجمه پندار فاضل، روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت، س ۴، ش ۱ (بهار)، ص ۸۹-۱۰۹.

فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، تهران، سخن.

فرانکل، ویکتور (۱۳۸۳)، انسان در جستجوی معنی، ترجمه نهضت صالحیان و میهن میلانی، تهران، درسا.

قادری، حمیرا (۱۳۸۸)، نقره: دختر دریای کابل، تهران، روزگار.

لوشر، ماکس (۱۳۸۹)، روان‌شناسی رنگ‌ها، ترجمه ویدا ابی‌زاده، تهران، درسا.

ملکیان، مصطفی (۱۳۹۶)، «امید‌واهی یا امید‌عقلانی / امید‌ی به سیاستمدارها نیست»، عطنا.

امید-واهی-یا-امید-عقلانی-امیدی-به-سیاستمدارها-نیست/4750/news/ir/fa/atna.ac.ir/https://

۱۳۹۶/۱۲/۱۴

وینینگا، رابرت ال. (۱۳۸۷)، موهبت امید (چگونه شوربخشی‌هایمان را از سر می‌گذرانیم)، ترجمه شیرین لارودی، تهران، قطره.

هاشمی، نرگس (۱۳۹۹)، «داکتر حمیرا قادری، رمان‌نویس موفق افغانستان» (مصاحبه). اوج سماع.

http://nargishashimi.blogfa.com/post/203 ۱۳۹۹/۴/۳۰

Baltac, Ali, & Nurdan Yağlı-Soykan (2020), "Optimism, happiness, life meaning and life satisfaction levels of the faculty of divinity students: A multi-sample correlational study", *Spiritual Psychology and Counseling*, vol.5, No.2, pp.167-184.

Cano-García F.J., Sanduvete-Chaves S., Chacón-Moscoso S., Rodríguez-Franco L., García-Martínez J., Antu na-Bellerín M., Pérez-Gil J. A. (2015), "Factor structure of the Spanish version of the Life Orientation Test-Revised (LOT-R): Testing several models", *International Journal of Clinical and Health Psychology*, vol.15, No.2, May and August, pp.139-148.

References

Sources are in Persian unless otherwise specified.

- Anvari, Mehriye (2012), "Afghans' Beliefs about the Musicheh and Two Similar Birds", Radio Azadi. <https://da.azadiradio.com/a/24562073.html> 30 April 2012.
- Bahāri, Farshād (2014), *Foundations of Hope and Hope Therapy* (A Guide to Creating Hope), Tehran: Dānjeh.
- Boniwell, Ilona (2019), *Positive Psychology in a Nutshell* (The Science of Happiness), trans. Hasanpāshā Sharifi & Simindokht Rezākhāni, Tehran, Roshd.
- Chevalier, Jean and Alain Gheerbrant (1998-2008), *Dictionary of Symbols*, 5 vols. trans. Sudābeh Fazāyeli, Tehran, Jeyhun.
- Curtis, Deborah F. and Lisa L. Kelly (2017), "Effect of a Quality of Life Coaching Intervention on Psychological Courage and Self-Determination", trans. Pendār Fāzel, *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, vol.4, No.1 (Spring), pp.89-109.
- Dāneshvar, Simin (2013), *Savushun*, 19th ed., Tehran, Khārazmi.
- Fotuhi, Mahmud (2012), *Stylistics* (Theories, Approaches, and Methods), Tehran, Sokhan.
- Frankl, Viktor (2004), *Man's Search for Meaning*, trans. Nehzat Sālehiyān and Miḥan Milāni, Tehran, Dorsā.
- Hamidiyān, Sa'id (2008), *An Introduction to Ferdowsi's Thought and Art*, Tehran, Nāhid.
- Hāshemi, Narges (2020). "Dr. Homeyra Qāderi, Afghanistan's Successful Novelist" (Interview). *Owj-e Sama*. <http://nargishashimi.blogfa.com/post/203> 21 July 2020.
- Lüscher, Max (2010), *The Lüscher Colour Test*, trans. Vidā Ebizādeh. Tehran: Dorsā.
- Malekiān, Mostafā (2018), "Vain Hope or Rational Hope / There Is No Hope in Politicians", *Atna*. <https://atna.atu.ac.ir/fa/news/4750/>-امید-واهی-یا-امید-عقلانی-امیدی-به-سیاستمدارها-نیست 4 March 2018.
- Qāderi, Homeyrā (2009), *Noqreh: The Girl from the Sea of Kabul*, Tehran, Rouzgār.
- Riyāhi, Mohammad Esmā'il and Zeynab Mahmudābādi (2018), "Sociological Study of the Effects of Gender Roles on Depression via Self Silencing", *Applied Sociology*, vol.29, No.1 (Serial 69) (Spring), pp.129-146.
- Sādeghi Fasā'i, Soheilā and Shivā Karimi (2005), "Gender Stereotypings in Iranian Television Drama (Mar.2004-Mar.2005)", *Woman in Development and Politics*, vol.3, No.3 (Āzar), pp.59-89.
- Scioli, Anthony and Henry B. Biller (2012), *The Power of Hope* (Overcoming Your Most Daunting Life Difficultied - No Matter What), trans. Maryam Taghdisi, Tehran, Qoqnus.
- Schultz, Duane P. and Sydney Ellen Schultz (2019), *Theories of Personality*, trans. Yahyā Seyyed Mohammadi, Tehran, Virāyesh.
- Seligman, Martin E.P. (2021), *Flourish* (A Visionary New Understanding of Happiness and Well-being), trans. Amir Kāmkār and Sakineh Hojabriyān, Tehran: Ravān.
- Snyder, Charles R. (2018), *The Psychology of Hope* (You Can Get There from Here), trans. Farshād Bahāri, Tehran, Dānjeh.
- Veninga, Robert L. (2008), *A Gift of Hope* (How We Survive Our Tragedies), trans. Shirin Lārudi, Tehran, Qatreh.
- Zipes, Jack (2001), *Creative Storytelling*, trans. by Minu Parniyāni, Tehran, Roshd.

